

بررسی جرم‌انگاری وضعیت‌های ارادی و غیرارادی؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و آمریکا

* سلمان نیکبخت

** علیرضا ابراهیمی

DOI: <https://doi.org/10.22096/law.2026.2078079.2340>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱]

چکیده

جرم‌انگاری وضعیت‌ها از موضوعات مهم در حقوق کیفری معاصر است؛ به‌ویژه در مواردی که مداخله کیفری نه براساس انجام یک کنش معین، بلکه صرف قرار گرفتن فرد در یک وضعیت خاص صورت می‌گیرد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی تطبیقی میان حقوق ایران و آمریکا، به بررسی مبانی نظری تمایز میان «وضعیت» و «رفتار» و ارزیابی امکان شناسایی وضعیت‌های ارادی و غیرارادی در قلمرو مسئولیت کیفری پرداخته است. در این راستا، ابتدا جایگاه وضعیت در ساختار عنصر مادی جرم تحلیل شد و سپس رویکرد تقنینی و قضایی دو نظام مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد در حقوق آمریکا، تحول این بحث در پرتو آرای *Robinson v. California* و *Powell v. Texas*، شکل گرفت و مجازات صرف وضعیت با محدودیت مواجه شد. در حقوق ایران، رویکردی یکدست نسبت به جرم‌انگاری وضعیت‌ها وجود نداشت. برخی نویسندگان با استناد به ضرورت پیشگیری و حفظ امنیت عمومی، مداخله کیفری را قابل توجیه دانستند. در مقابل، دیدگاهی دیگر با تأکید بر عنصر مادی جرم، تفکیک وضعیت‌های ارادی و غیرارادی را معیار مسئولیت تلقی کرده و مسئولیت کیفری را منوط به انتساب وضعیت به اراده پیشین شخص دانسته است. این رویکرد به‌عنوان راهکاری میانه و قابل توسعه، از ظرفیت بیشتری برای انطباق با مبانی نظری حقوق کیفری برخوردار است.

واژگان کلیدی: وضعیت؛ حالت؛ وضعیت ارادی و غیرارادی؛ جرم‌انگاری؛ حقوق ایران و آمریکا.

* دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Salmannikbakht67@gmail.com

** استادیار، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران.
Email: AR.Ebrahimi@qom.ac.ir



۱. مقدمه

جرم‌انگاری وضعیت‌ها از مباحث بنیادین و درعین‌حال، مناقشه‌برانگیز در حقوق کیفری معاصر است. در این دسته از جرائم، قرار داشتن شخص در یک وضعیت جسمی، روانی یا اجتماعی خاص می‌تواند در برخی نظام‌های حقوقی، مبنای مداخله کیفری قرار گیرد. چنین رویکردی از یک سو با اهدافی همچون حفظ نظم عمومی، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی یا حمایت از منافع عمومی توجیه می‌شود و ازسوی دیگر، پرسش‌هایی اساسی درباره حدود عنصر مادی جرم، نقش اراده در مسئولیت کیفری و نسبت «بودن» و «کردن» در قلمرو حقوق کیفری مطرح می‌سازد. در این میان، چالش اصلی آن است که آیا تمامی وضعیت‌ها به‌طور یکسان قابلیت جرم‌انگاری دارند یا باید میان وضعیت‌های ناشی از اراده شخص و وضعیت‌هایی که بدون دخالت مؤثر اراده و در نتیجه عوامل بیرونی پدید می‌آیند، تفکیک قائل شد. این تمایز ارتباطی مستقیم با اصل مادی بودن جرم و لزوم انتساب ارادی رفتار دارد و می‌تواند در تعیین حدود مشروعیت مداخله کیفری نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. اهمیت این بحث از آن جهت است که نحوه مواجهه با وضعیت‌ها می‌تواند جهت‌گیری سیاست کیفری را تحت‌تأثیر قرار دهد. ازاین‌رو، بازاندیشی در مبانی نظری جرم‌انگاری وضعیت‌ها و ارزیابی آن در پرتو تفکیک وضعیت‌های ارادی و غیرارادی، ضرورتی دوچندان می‌یابد.

مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا می‌تواند در این زمینه چشم‌اندازی روشن‌گر فراهم آورد. در حقوق ایران، از «حالت» یا «وضعیت» به‌عنوان یکی از قالب‌های عنصر مادی جرم یاد شده است. در حقوق آمریکا، بحث جرم‌انگاری وضعیت‌ها، به‌ویژه در پرتو آرای دیوان عالی، ازجمله در پرونده Robinson v. California، به یکی از مباحث مهم نظری و عملی تبدیل شده و زمینه‌ساز شکل‌گیری دیدگاه‌های موافق و مخالف درباره حدود مداخله کیفری شده است.

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، تاکنون مطالعه مستقلی به‌صورت مستقیم درباره جرم‌انگاری «وضعیت» یا «حالت» انجام نشده است. بااین‌حال، به‌صورت غیرمستقیم و موردی، برخی از وضعیت‌ها همچون بی‌خانمانی (ولگردی) و اعتیاد، در چارچوب مطالعات حقوق کیفری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. هادی‌تبار و علی‌پور (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «جرم‌زدایی از جرائم ولگردی و تکدی‌گری»، دلایلی مانند مقابله با تورم کیفری و خودداری از جرم‌انگاری فقر را برای عدم جرم‌انگاری ولگردی و تکدی‌گری بیان می‌کنند، اما پژوهش حاضر با تمرکز بر رویکرد تطبیقی و بررسی رکن مادی

بررسی جرم‌انگاری وضعیت‌های ارادی و غیرارادی؛ مطالعه تطبیقی... / نیکبخت و ابراهیمی ۱۰۳

در جرائم وضعیتی، زاویه دید متفاوتی دارد. بیات و غلامی (۱۳۸۲) در مقاله «تحلیل بزه‌دیده‌شناختی بزه‌دیدگی بی‌خانمانان» به دنبال بررسی عوامل دخیل در بزه‌دیدگی بی‌خانمانان هستند. اما پژوهش حاضر، بر تعارض جرم‌انگاری صرف وضعیت و بزهکاری بی‌خانمانان با اصول جرم‌شناسی تأکید می‌کند. آقابابایی و رضایی‌زادفر (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر در پرتو اصل پدرسالاری حقوقی»، اصل پدرسالاری را به عنوان مبنای مداخله کیفری دولت در برخورد با اعتیاد معرفی کرده‌اند. بالین‌حال، پژوهش حاضر، با تمرکز بر بررسی جرم‌انگاری صرف وضعیت، حالت اعتیاد را نیز در چارچوب تحلیل نظری و تطبیقی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

بررسی پیشینه پژوهش در نظام حقوقی آمریکا، نشان می‌دهد تحقیقات قابل‌توجهی در مورد جرم‌انگاری وضعیت‌ها صورت گرفته است که به برخی اشاره می‌شود. مقاله " John Kip Cornwell" با عنوان: Status-Based Prosecution Conflict, Confusion and the Quest for Coherence (2023)، به بررسی جرم‌انگاری وضعیت‌ها در حقوق کیفری ایالات متحده می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که اختلاف نظرهای قابل‌توجهی در رویه قضایی و میان حقوق دانان آمریکا در ارتباط با جرم‌انگاری صرف وضعیت‌ها وجود دارد و نظام کیفری با چالش‌های هماهنگی و وحدت رویه مواجه است. مقاله West Menefee Bakke با عنوان "Against the Status Crimes Doctrine" (2020)، در واقع، تا حدودی موافق جرم‌انگاری صرف وضعیت است و آن را نقد و محدود می‌کند. در این مطالعه، نویسنده استدلال می‌کند جرم‌انگاری رفتار ناشی از وضعیت (مانند مستی در انظار عمومی) مشروعیت دارد.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعه تطبیقی، در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که جرم‌انگاری وضعیت‌ها در نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا تا چه اندازه با مبانی مشروعیت کیفری سازگار است و تفکیک میان وضعیت‌های ارادی و غیرارادی چه نقشی در تحدید مداخله کیفری دارد؟

۲. جرائم مبتنی بر وضعیت

در قوانین کیفری ایران، تعبیر «جرائم مبتنی بر وضعیت» به صورت صریح در متون قانونی مشاهده نمی‌شود. بالین‌حال، در آثار برخی از حقوق دانان و در ذیل بحث «رکن مادی جرم»، این مفهوم به طور ضمنی مطرح شده است. در تقسیم‌بندی اشکال تحقق عنصر مادی،

افزون بر فعل و ترک فعل، از «وضعیت» یا «حالت» نیز به عنوان یکی از قالب‌های قابل تصور یاد شده است.^۱ در تعریف این مفهوم گفته شده است: «وضعیت یا حالت، تجسم اندیشه و وضعیتی مداوم است که انسان در آن به سر می‌برد و این حالت نمود گرایش منفی انسان در برابر خواسته قانون‌گذار است.»^۲ برخی نویسندگان این دسته از جرائم را در برابر «جرائم فعلی» یا «کردنی»، «جرائم شدنی» نامیده‌اند.^۳ از جمله نمونه‌هایی که در ادبیات حقوق کیفری ایران به عنوان مصادیق جرائم مبتنی بر وضعیت ذکر شده‌اند، می‌توان به اعتیاد به مواد مخدر، اقامت غیرمجاز اتباع خارجی و بی‌خانمانی (ولگردی) اشاره کرد؛ مواردی که در آن‌ها، وضعیت مستمر شخص محور مداخله کیفری قرار گرفته است.

در نظام حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا، برخلاف حقوق کیفری ایران، به طور مشخص به مفهوم «جرائم مبتنی بر وضعیت» اشاره شده است. برای نمونه، در ماده ۴۲ از بخش ۱۱۱۰۳ عنوان ۳۴ قانون ایالات متحده آمریکا^۴ که به تعاریف اساسی در حوزه عدالت نوجوانان اختصاص دارد، اصطلاح «متخلف وضعیت»^۵ به کار رفته است. این عنوان به نوجوانی اطلاق می‌شود که مرتکب رفتاری شده باشد که در صورت ارتکاب آن رفتار توسط یک فرد بزرگسال، جرم محسوب نمی‌شد، مانند فرار از خانه. به عبارت دیگر، صرف وضعیت سنی نوجوان و شرایط خاص اوست که موجب غیرقانونی تلقی شدن آن رفتار شده است، نه خود رفتار به طور مطلق.

جان کپ کورنول^۶ حقوق‌دان برجسته آمریکایی، معتقد است یکی از موضوعات مهم و ظریف در خصوص شناخت جرائم مبتنی بر وضعیت، تفاوت قائل شدن میان دو واژه «status» و «condition» است. برخی از حقوق‌دانان این دو را مترادف تلقی کرده و هر دو را به معنای «وضعیت» می‌دانند، اما کورنول معتقد است «status» به وضعیت‌ها و ویژگی‌های ثابت یا نسبتاً پایدار فرد اشاره دارد؛ ویژگی‌هایی که معمولاً خارج از اراده شخص هستند و به این جهت در حقوق کیفری، اگر چیزی «status» تلقی شود، مجازات آن اغلب ناعادلانه تلقی می‌گردد، اما «Condition» معمولاً به وضعیت موقتی یا قابل تغییر اشاره دارد که ممکن

۱. رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، ویراست جدید، تجدیدنظرشده عباس شیری، چاپ اول (تهران: میزان، ۱۳۹۶)، ۱۸۴.

۲. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۲ (تهران: میزان، ۱۳۹۳)، ۳۰۲-۳۰۶.

۳. مهدی سلطانی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱ (تهران: دادگستر، ۱۳۹۳)، ۱۳۹-۱۴۲.

4. U.S.C § 11103(42)34.

5. Status offender.

6. John Kip Cornwell.

است ناشی از انتخاب، رفتار، یا شرایط محیطی باشد، مانند گرسنگی یا مستی. ایشان همچنین بیان می‌دارد که برخی از حقوق‌دانان معتقدند جرائم مبتنی بر وضعیت صرفاً در زمینه بیماری کاربرد دارند؛ دیدگاهی که به نظر وی بیش از حد محدودکننده است، زیرا برخی از مصادیق جرائم مبتنی بر وضعیت مانند بی‌خانمانی در این تعریف نمی‌گنجد، زیرا بی‌خانمانی بیماری تلقی نمی‌شود و طبق این دیدگاه، نمی‌تواند «وضعیت» (status) محسوب گردد.^۷

با توجه به مباحث پیش‌گفته، می‌توان جرائم مبتنی بر وضعیت را آن دسته از جرائمی دانست که مبنای مداخله کیفری در آن‌ها نه ارتکاب یک رفتار مشخص (فعل یا ترک فعل) در لحظه تعقیب، بلکه قرار داشتن شخص در یک حالت یا موقعیت خاص است. در این دسته، عنصر مادی جرم به جای آنکه ناظر به کنشی معین باشد، به وضعیتی نسبتاً پایدار اطلاق می‌شود که فرد در آن به سر می‌برد و قانون‌گذار آن را واجد آثار کیفری دانسته است. با این حال، تحلیل حقوقی این نوع وضعیت‌ها مستلزم تمایزگذاری است. همه وضعیت‌ها به‌طور یکسان قابل ارزیابی نیستند؛ برخی ممکن است حاصل فعل یا ترک فعل ارادی پیشین شخص باشند و از این حیث با رفتار سابق او پیوند یابند، درحالی‌که برخی دیگر بدون دخالت مؤثر اراده فرد شکل گرفته‌اند.

۳. جرم‌انگاری وضعیت‌های ارادی و غیرارادی در نظام حقوقی آمریکا

در نظام حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا، مسئله جرم‌انگاری وضعیت‌ها از جمله مباحث مناقشه‌برانگیزی است که در مرز میان حقوق اساسی، اصول عدالت کیفری و جهت‌گیری‌های سیاست جنایی قرار می‌گیرد. کانون این بحث آن است که آیا صرفاً برخورداری از یک حالت یا وضعیت خاص می‌تواند مبنای مداخله کیفری قرار گیرد، یا اینکه اعمال ضمانت اجرای کیفری مستلزم احراز رفتار عینی و معین از سوی شخص است. این چالش نظری، مستقیماً با دکترین موسوم به «جرائم مبتنی بر وضعیت»^۸ ارتباط پیدا می‌کند و چارچوب تحلیل رویه قضایی و دیدگاه‌های حقوق‌دانان آمریکایی را در این حوزه شکل می‌دهد.

نقطه آغاز بحث جرائم وضعیت‌محور در آمریکا به دو پرونده مهم در دهه ۹۰ میلادی بازمی‌گردد:

7. J. K. Cornwell, "Status-Based Prosecution: Conflict, Confusion and the Quest for Coherence," *Journal of Constitutional Law* 25, no. 1 (2023): 134-135.

8. Status crimes doctrine.

۱. پرونده Robinson v. California (شکایت رایینسون علیه ایالت کالیفرنیا) سال ۱۹۶۲: در این پرونده، دیوان عالی ایالات متحده که عالی‌ترین دادگاه این کشور است، قانون ایالت کالیفرنیا را که براساس آن، صرف «معتاد بودن» جرم تلقی می‌شد، باطل اعلام کرد. به موجب قانون ایالت کالیفرنیا، «رایینسون» صرفاً براساس وضعیت اعتیاد خود محکوم شده بود و عملاً تا زمانی که معتاد باقی می‌ماند، در هر نقطه از این ایالت «مجرم مداوم» محسوب می‌شد، صرف‌نظر از اینکه آیا موادمخدر مصرف کرده یا در اختیار داشته است و همچنین بدون توجه به اینکه آیا اقدام به انجام هرگونه رفتار ضداجتماعی کرده است یا نه. دیوان عالی در این پرونده استدلال کرد که قانون مورد بحث، مسئولیت کیفری را بر مبنای یک «وضعیت» مزمن یا بیماری تحمیل کرده و عنصر مادی جرم^۹ را نادیده گرفته است. به باور قضات دیوان عالی آمریکا، اعتیاد، مشابه دیگر بیماری‌ها نظیر جذام یا اختلالات روانی، ممکن است به طور ناخواسته در فرد پدید آید و مجازات به دلیل ابتلا به چنین وضعیتی، با اصول عدالت کیفری ناسازگار است و ناقض متمم هشتم قانون اساسی ایالات متحده^{۱۰} است که مجازات‌های ظالمانه و غیرعادی را منع می‌کند.^{۱۱}

پرونده «رایینسون» (Robinson) را می‌توان نقطه آغاز شکل‌گیری دکترین «جرائم مبتنی بر وضعیت» در نظام حقوقی ایالات متحده دانست. پس از صدور حکم دیوان عالی آمریکا مبنی بر اینکه جرم‌انگاری وضعیت، به دلیل فقدان عنصر مادی (رفتار مجرمانه)، با اصول اساسی حقوق کیفری ناسازگار است، مباحث گسترده‌ای در میان حقوق‌دانان و رویه قضایی آمریکا شکل گرفت. محور اصلی این اختلاف‌نظرها از یک سو، تعیین مصادیق و معیارهای تشخیص «وضعیت» و از سوی دیگر، تبیین حدود امکان مجازات رفتارهایی بود که از آن وضعیت ناشی می‌شوند، مانند رفتارهای مرتبط با بی‌خانمانی. این مناقشات به‌ویژه پس از صدور رأی در پرونده Powell v. Texas شدت یافت.

۲. پرونده Powell v. Texas (شکایت پاول علیه ایالت تگزاس) سال ۱۹۶۸: در این پرونده، پاول که اعتیاد مزمن به الکل داشت، به دلیل «مستی در انتظار عمومی» و براساس قوانین ایالت تگزاس محکوم شد. او در شکایت خود علیه ایالت تگزاس در دیوان عالی آمریکا استدلال کرد براساس پرونده «Robinson» که در آن محکومیت به دلیل حالت

9. Actus reus.

10. Excessive bail shall not be required, nor excessive fines imposed, nor cruel. and unusual punishments inflicted.(U.S. Const. amend. VIII).

11. Cornwell, "Status-Based Prosecution," 109.

وضعیت اعتیاد از نوع مجازات‌های ظالمانه و غیرعادی دانسته شده بود، «وضعیت الکلیسم» او نیز غیرقابل مجازات است. اما دیوان عالی این دفاع را نپذیرفت و تأکید کرد که تعقیب متهم مجازات ظالمانه و غیرمعمول محسوب نمی‌شود، زیرا اعتیاد پاول به الکل، اگرچه او را به نوشیدن الکل وادار می‌کند و از این نظر یک وضعیت و حالت محسوب می‌شود، اما اعتیاد او را مجبور نمی‌کند که این کار را در ملاعام انجام دهد. در نتیجه آنچه که او برای آن مجازات شده، رفتار مشخص (مستی در ملاعام) بوده است، نه وضعیت اعتیاد او به الکل.^{۱۲}

این دو رأی متفاوت دیوان عالی، مبنای اختلاف نظر گسترده‌ای در میان حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان آمریکا شده است. برخی از حقوق‌دانان آمریکا با استناد به رأی *Powell v. Texas*، نتیجه می‌گیرند که ممنوعیت جرائم مبتنی بر وضعیت به صورت کلی نیست. برخی نیز دامنه جرائم وضعی را بسیار وسیع و جرم‌انگاری برای هر نوع وضعیتی را غیرعادلانه می‌دانند. به عنوان مثال، آنی لای، حقوق‌دان آمریکایی، بر این باور است که اگر مهاجران فاقد مدرک نتوانند براساس قوانین ایالتی گواهینامه رانندگی بگیرند، دستگیری آن‌ها به خاطر رانندگی بدون گواهینامه، به نوعی «جرم‌انگاری» براساس وضعیت آن‌ها محسوب می‌شود. به عقیده وی، این رویکرد به جای تعقیب رفتار مجرمانه، وضعیت مهاجرتی افراد را هدف قرار می‌دهد.^{۱۳} با این حال، جان کپ کورنول^{۱۴}، از استادان برجسته حقوق اساسی و کیفری در ایالات متحده، معتقد است به عنوان یک موضوع ابتدایی، مشخص نیست که آیا «مهاجر بدون مدرک بودن» به عنوان یک وضعیت تلقی می‌شود یا نه. ثانیاً رانندگی بدون گواهینامه، به خودی خود یک رفتار و فعل است که جرم‌انگاری آن ممنوعیتی ندارد.^{۱۵}

همچنین پریسیلا اوسن^{۱۶}، استاد حقوق، معتقد است جرایمی که به طور خاص زنان باردار را هدف قرار می‌دهند، در زمره «جرائم مبتنی بر وضعیت» قرار می‌گیرند. وی با استناد به داده‌هایی نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، دادستان‌ها اقدام به جرم‌انگاری رفتارهایی می‌کنند که ذاتاً قانونی‌اند، مانند سیگار کشیدن یا عدم مراجعه به مراقبت‌های پزشکی پیش از زایمان. از نظر او، چنین رویکردی نمونه‌ای از جرم‌انگاری مبتنی بر وضعیت است که وضعیت

12. Cornwell, "Status-Based Prosecution," 109.

13. A. Lai, "Confronting Proxy Criminalization," *Denver Law Review* 92 (2015): 879.

14. John Kip Cornwell.

15. Cornwell, "Status-Based Prosecution," 129.

16. Priscilla Ocen.

بارداری را به عنوان مبنای مداخله کیفری قرار می دهد.^{۱۷} در نهایت، لورن بنت^{۱۸} در تحلیل خود از نظام وثیقه نقدی در ایالات متحده اظهار می دارد: این سیستم که با هدف تضمین آزادی موقت متهمان پیش از محاکمه طراحی شده، به طور غیرمستقیم منجر به جرم انگاری فقر به عنوان یک وضعیت می شود. به گفته او، افرادی که توانایی پرداخت وثیقه را ندارند، صرفاً به دلیل شرایط اقتصادی شان (وضعیت فقر) در بازداشت باقی می مانند، نه به دلیل ارتکاب جرم جدیدی.^{۱۹}

در نقطه مقابل، برخی از حقوق دانان آمریکایی مخالف توسعه این دکترین به صورت گسترده هستند. پژوهشگر و حقوق دان آمریکایی، وست منیفی باکه^{۲۰}، نسبت به گسترش دکترین وضعیت هشدار می دهد و بیان می دارد که دادگاه تجدیدنظر نهم با شناسایی بی خانمانی به عنوان وضعیتی تحت حمایت متمم هشتم قانون اساسی، مرز میان وضعیت و رفتار را مخدوش کرده است. به باور او، بی خانمانی برخلاف وضعیت اعتیاد، یک وضعیت پیچیده اجتماعی است که غالباً اجتناب پذیر است. بسیاری از افراد ممکن است به دلایل گوناگون بی خانمان شوند و خروج از این وضعیت گرچه دشوار است، اما به طور مطلق، خارج از اراده فرد نیست. در نتیجه، توسعه دکترین وضعیت به این حوزه می تواند موجب گسترش غیرقابل کنترل مسئولیت کیفری و تضعیف کارآمدی نظام حقوقی شود.^{۲۱}

برای دستیابی به وحدت رویه در زمینه جرم انگاری وضعیت ها، پژوهشگران و حقوق دانان راه حل ها و دیدگاه های متنوعی را مطرح کرده اند. برخی از محققان معتقدند که تمایز میان وضعیت های «اکتسابی» (achieved) و «انتسابی» (ascribed)، می تواند در تحلیل مشروعیت جرم انگاری مفید باشد. به طور معمول، وضعیت های انتسابی (که خارج از اراده فرد هستند) قابل مجازات نیستند؛ در حالی که وضعیت های اکتسابی (که حاصل انتخاب یا اعمال افراد هستند)، در برخی موارد قابل جرم انگاری اند.^{۲۲} البته این نظریه به صورت کلی

17. Priscilla A. Ocen, "Birthing Injustice: Pregnancy as a Status Offense," *George Washington Law Review* 85, no. 5-6 (2017): 1163.

18. Lauren Bennett.

19. Lauren Bennett, "Punishing Poverty: Robinson & the Criminal Cash Bond System," *Wash. & Lee J. Civ. Rts. & Soc. Just.* 25, no. 1 (2019): 315.

20. West Menefee Bakke.

21. W. M. Bakke, "Against the Status Crimes Doctrine," *SMU Law Review Forum* 73 (2020): 223-242.

22. M. L. Radelet, "Response: Race as a Semi-Measurable Component of Social Status," *Harvard Civil Rights-Civil Liberties Law Review* 55, no. 2 (2020): 676.

نمی‌تواند معیار دقیقی برای تقسیم‌بندی انواع وضعیت‌ها باشد، چراکه بسیاری از وضعیت‌ها مانند بی‌خانمانی یا اعتیاد به موادمخدر، به‌راحتی در این دوگانه (انتسابی و اکتسابی) نمی‌گنجند و پیچیدگی‌های خاص خود را دارند. بی‌خانمانی، هرچند در نگاه نخست ممکن است به‌عنوان وضعیتی اکتسابی در نظر گرفته شود (زیرا مستقیماً بازتاب تفاوت‌ها یا ناتوانی‌های ذاتی افراد نیست)، اما جامعه‌شناس، تاد شوپفلین، این دیدگاه را نسبت به گروهی از افراد به چالش می‌کشد که در سال‌های حساس رشد و شکل‌گیری شخصیت خود، هرگز از یک سرپناه پایدار بهره‌مند نبوده‌اند. به باور او، این افراد مسئول وضعیت بی‌خانمانی خود نیستند، بلکه عوامل بیرونی مانند بی‌ثباتی خانوادگی، بیماری‌های روانی و فقر ساختاری، چنین وضعیتی را بر آن‌ها تحمیل کرده است. ازاین‌رو، می‌توان استدلال کرد که بی‌خانمانی درمورد این گروه، نه یک وضعیت کاملاً اکتسابی بلکه تا حد زیادی انتسابی است.^{۲۳} به همین ترتیب، درمورد اینکه اعتیاد را باید وضعیتی انتسابی دانست یا اکتسابی، میان صاحب‌نظران اختلاف‌نظر قابل‌توجهی وجود دارد. گروهی از پژوهشگران که اعتیاد را نوعی بیماری تلقی می‌کنند، آن را وضعیتی انتسابی می‌دانند که خارج از اراده فرد است. در مقابل، برخی دیگر با این نگرش مخالفت می‌ورزند و اعتیاد را نتیجه انتخاب آگاهانه و داوطلبانه فرد می‌دانند. ازاین‌رو، آن را وضعیتی اکتسابی تلقی کرده و جرم‌انگاری آن را موجه می‌دانند.^{۲۴}

برخی از جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان نیز بر این باورند که در تحلیل امکان‌سنجی جرم‌انگاری وضعیت‌ها، تمایز میان «اکتسابی» یا «انتسابی» بودن وضعیت، اهمیت چندانی ندارد. آنان به‌جای این تمایز، بر مفهوم «وضعیت غالب» تأکید می‌ورزند. در نگاه جامعه‌شناختی، «وضعیت غالب» به مهم‌ترین وضعیتی که یک فرد دارد، اطلاق می‌شود؛ وضعیتی که نقشی محوری در شکل‌گیری هویت فردی دارد و به‌طورکلی، تجربه اجتماعی او را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این وضعیت می‌تواند خاستگاهی اکتسابی یا انتسابی داشته باشد و ممکن است واجد جنبه‌هایی مثبت یا منفی باشد.^{۲۵} برای نمونه، یکی از وضعیت‌هایی که پژوهشگران به‌عنوان یک وضعیت غالب شناسایی کرده‌اند اعتیاد به موادمخدر است، زیرا این پدیده تأثیرات منفی عمیقی بر دسترسی فرد به نیازهای اولیه و همچنین بر ایجاد تعاملات

23. T. Schoepflin, "Ascribed Status vs. Achieved Status: The Case of Homelessness," *Everyday Sociology Blog*, May 27, 2010, <https://www.everydaysociologyblog.com/2010/05/ascribed-status-vs-achieved-status-the-case-of-homelessness.html>.

24. Gene M. Heyman, *Addiction: A Disorder of Choice* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 2009), vii.

25. Cornwell, "Status-Based Prosecution," 138.

مثبت با دیگران دارد. در مرکز این فرایند، برچسب‌زنی و بدنام‌سازی قرار دارد که معمولاً موجب می‌شود سایر جنبه‌های مثبت فرد، مانند موفقیت‌های تحصیلی نادیده گرفته شوند. به عبارت دیگر، «اعتیاد وضعیتی است که سایر جنبه‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد.»^{۲۶} ممکن است فردی صرفاً به دلیل دارا بودن این برچسب، علی‌رغم برخورداری از شرایط لازم، از دسترسی به فرصت‌هایی همچون اشتغال یا مسکن مناسب محروم بماند. این نوع محرومیت نه به واسطه ناتوانی واقعی فرد، بلکه صرفاً به دلیل دلالت‌های منفی اجتماعی همراه با وضعیت اعتیاد شکل می‌گیرد.^{۲۷}

ازسوی دیگر، یکی از محورهای اختلاف در میان حقوق‌دانان و رویه قضایی ایالات متحده، به رفتارهای ناشی از وضعیت‌ها مربوط می‌شود؛ بدین معنا که برخی از رفتارها برای برخی از وضعیت‌ها، امری اجباری و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌گردند. برای مثال، رفتارهایی مانند خوابیدن، استراحت یا اقامت در اماکن عمومی ازسوی افراد بی‌خانمان.

یکی از حقوق‌دانان آمریکایی به نام هانا کیشنیک^{۲۸} استدلال می‌کند که مقررات شهری علیه بی‌خانمان‌ها، در عمل، همانند قانون ایالت کالیفرنیا در پرونده Robinson هستند. به نظر او، وقتی بی‌خانمان‌ها ناگزیرند برای بقا در فضای عمومی بخوابند یا استراحت کنند، جرم‌انگاری این رفتارها عملاً به معنای جرم‌انگاری وضعیت بی‌خانمانی است. براین اساس، در مواردی که رفتار و وضعیت جدایی‌ناپذیر باشند، مانند خوابیدن بی‌خانمان‌ها در مکان عمومی، جرم‌انگاری آن رفتار خلاف قانون اساسی است.^{۲۹}

ادوارد والترز^{۳۰}، حقوق‌دان آمریکایی، یک چارچوب نظری جدید معرفی می‌کند. او معتقد است که برخی رفتارهای بی‌خانمان‌ها، رفتارهای مرگ یا زندگی هستند (do-or-die acts)؛ یعنی رفتارهایی که اگر فرد انجام ندهد، جانش در خطر قرار می‌گیرد. مثال بارز این رفتارها خوابیدن، خوردن یا استفاده از امکانات بهداشتی است. اگر شهری همه این رفتارها را

26. Charlie Lloyd, *Sinning and Sinned Against: The Stigmatisation of Problem Drug Users* (London: UK Drug Policy Commission, 2010), 235.

27. Bruce G. Link and Jo C. Phelan, "Conceptualizing Stigma," *Annual Review of Sociology* 27, no. 1 (2001): 363-385.

28. Hannah Kieschnick.

29. Hannah Kieschnick, "A Cruel and Unusual Way to Regulate the Homeless: Extending the Status Crimes Doctrine to Anti-Homeless Ordinances," *Stanford Law Review* 70, no. 5 (2018): 1578-1604.

30. Edward J. Walters.

در اماکن عمومی ممنوع کند، بی‌خانمان‌ها هیچ راه قانونی برای بقا نخواهند داشت. در چنین شرایطی، قانون آنان را مجبور به انتخابی غیرممکن می‌کند: یا باید قانون را نقض کنند یا زندگی خود را به خطر بیندازند. به باور والترز، این وضعیت مغایر با متمم هشتم قانون اساسی است.^{۳۱}

درنهایت، با تحلیل رویه‌های قضایی ایالات متحده و آرای نظری حقوق‌دانان این کشور درباره جرم‌انگاری وضعیت‌های ارادی و غیرارادی، می‌توان دریافت که در نظام حقوقی آمریکا، اصل بر پرهیز از مجازات صرف وضعیت است، زیرا چنین رویکردی در مواردی با موازین قانون اساسی، به‌ویژه منع مجازات‌های ظالمانه و غیرمتعارف، در تعارض دانسته شده است. بااین‌حال، درخصوص اینکه جرم‌انگاری کدام دسته از وضعیت‌ها غیرعادلانه تلقی می‌شود، دیدگاه‌ها یکسان نیست و دست‌کم دو نظریه قابل‌شناسایی است.

نخستین نظریه بر تمایز میان وضعیت اکتسابی و وضعیت انتسابی تأکید دارد. براین‌اساس، باید بررسی کرد که آیا وضعیت مزبور حاصل رفتار ارادی و انتخاب پیشین فرد است یا آنکه تحت‌تأثیر عوامل بیرونی و بدون دخالت مؤثر اراده او شکل گرفته است. برای نمونه، اعتیاد اختیاری به موادمخدر، به‌عنوان وضعیتی اکتسابی تحلیل می‌شود، زیرا فرد از طریق رفتار سابق خود، در ایجاد آن نقش داشته است. در مقابل، بی‌خانمانی ناشی از فقر ساختاری و شرایط نامساعد خانوادگی می‌تواند نمونه‌ای از وضعیت انتسابی تلقی شود؛ به‌گونه‌ای که فرد، علی‌رغم تلاش متعارف، امکان خروج از آن را نیافته و نقش تعیین‌کننده‌ای در پیدایش آن نداشته است. نظریه دوم، نظریه «وضعیت غالب» (Master Status) است. بر پایه این دیدگاه، هرگاه یک وضعیت چنان در ساختار هویتی فرد رسوخ کند که سایر ابعاد شخصیت او را تحت‌الشعاع قرار دهد، جرم‌انگاری آن می‌تواند ظالمانه و نامتعارف ارزیابی شود، خواه این وضعیت در آغاز به‌صورت ارادی ایجاد شده باشد یا غیرارادی. البته این تفسیر را می‌توان قرائتی موسع از مفهوم وضعیت دانست، زیرا برخی وضعیت‌های ناشی از انتخاب آگاهانه فرد، مانند اعتیاد اختیاری را نیز در بر می‌گیرد و بدین‌ترتیب، دامنه منع جرم‌انگاری را توسعه می‌دهد.

ازسوی دیگر، برخی از اندیشمندان ایالات متحده بر ضرورت تفکیک میان «خود وضعیت» و «رفتاری که در پی آن وضعیت بروز می‌کند» تأکید کرده‌اند. براین‌اساس، حتی اگر

31. Edward J. Walters, "No Way Out: Eighth Amendment Protection for Do-Or-Die Acts of the Homeless," *University of Chicago Law Review* 62, no. 4 (1995): 1625-1632.

یک وضعیت در اثر تکرار رفتارهای پیشین پدید آمده باشد، آنچه می‌تواند موضوع مسئولیت کیفری قرار گیرد، رفتار عینی و مشخص است، نه خود حالت یا وضعیت موجود. به بیان دیگر، نباید میان «وضعیت به عنوان یک حالت پایدار یا نسبتاً پایدار» و «کنش‌های ارادی و معین ناشی از آن» خلط کرد، زیرا اولی ناظر به وصف شخص است، درحالی‌که دومی ناظر به فعل قابل انتساب است. در پرتو این تفکیک، تعارض ظاهری میان دو رأی دیوان عالی ایالات متحده در پرونده‌های Robinson v. California و Powell v. Texas قابل رفع است. در پرونده نخست، متهم صرفاً به دلیل «وضعیت اعتیاد»، بدون احراز رفتار مجرمانه‌ای مشخص، محکوم شده بود. از این رو، دیوان عالی چنین مجازاتی را مغایر با متمم هشتم قانون اساسی تشخیص داد. اما در پرونده دوم، هرچند متهم مبتلا به الکلیسم مزمن بود، مبنای محکومیت نه خود وضعیت، بلکه ارتکاب رفتاری عینی و معین، یعنی مستی در انتظار عمومی قرار گرفت؛ رفتاری که از منظر دادگاه، به عنوان کنشی قابل ارزیابی مستقل از وضعیت، موضوع حکم کیفری واقع شد. همچنین در تحلیل رفتارهایی که به طور اجتناب‌ناپذیر از یک وضعیت خاص ناشی می‌شوند، باید میان «ناشی بودن» و «همسان بودن» تفکیک کرد. اینکه رفتاری در بستر یک وضعیت شکل می‌گیرد، به معنای یکی بودن آن با خود وضعیت نیست. از این رو، حتی اگر برخی وضعیت‌ها حاصل تکرار رفتارهای پیشین باشند، استمرار آن وضعیت به تهاپی جایگزین عنصر مادی جرم محسوب نمی‌شود و برای تحقق مسئولیت کیفری، احراز رفتار مشخص و قابل انتساب ضروری است. در مواردی نظیر بی‌خانمانی، چنانچه رفتارهایی مانند خوابیدن یا استقرار در اماکن عمومی، به دلیل فقدان امکانات جایگزین و به صورت ناگزیر واقع شود، مشروعیت کیفری آن تنها زمانی قابل تصور است که دولت‌ها شرایط متعارف و دسترسی واقعی به امکانات لازم را فراهم کرده باشند. در غیر این صورت، مجازات چنین رفتارهایی که در پیوند تنگاتنگ با وضعیت بی‌خانمانی قرار دارند، می‌تواند با منع مجازات‌های ظالمانه و غیرمتعارف در متمم هشتم قانون اساسی ایالات متحده، در تعارض قرار گیرد.

۴. جرم‌انگاری وضعیت‌های ارادی و غیرارادی در نظام حقوقی ایران

با وجود گسترش مباحث نظری درباره مفهوم «وضعیت» و امکان‌سنجی جرم‌انگاری آن در نظام‌های حقوقی غربی، به ویژه در حقوق کیفری ایالات متحده، در نظام حقوقی ایران این مفهوم همچنان کمتر مورد توجه قرار گرفته و در حاشیه مطالعات حقوقی باقی مانده است. یکی از چالش‌های اساسی در تحلیل نظری جرائم مبتنی بر وضعیت در حقوق ایران، مسئله انطباق‌پذیری «حالت» یا «وضعیت» با «رکن مادی جرم» است. زیرا از یک سو، قانون‌گذار

در نظام کیفری ایران، رکن مادی جرم را به‌صراحت «رفتار» دانسته و از پذیرش مفاهیمی چون «وضعیت» یا «حالت» به‌عنوان عنصر مادی خودداری کرده است و ازسوی دیگر، در برخی قوانین، وضعیت‌هایی مانند «اعتیاد» و «ولگردی» (بی‌خانمانی) صراحتاً جرم‌انگاری شده‌اند. این دوگانگی، زمینه‌ساز بروز دیدگاه‌های مختلفی در میان اندیشمندان حقوق کیفری ایران گردیده است که در ادامه، به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

گروهی از حقوق‌دانان معتقدند که «حالت» و «وضعیت»، در واقع، مصداقی از رفتار (فعل یا ترک فعل) هستند. نوریها دراین خصوص وضعیت «اعتیاد» را مثال می‌زند و معتقد است با اندکی تسامح، می‌توان وضعیت اعتیاد را ناشی از فعل معتاد به‌دلیل استفاده از موادمخدر دانست و جرم را در قالب «فعل» قرار داد.^{۳۲} سلطانی نیز رکن مادی جرم را در قالب‌های متعددی محقق می‌داند که یکی از آن‌ها «حالت» و «وضعیت» مجرمانه است. وی حالت مجرمانه را وضعیت خاصی می‌داند که قانون‌گذار آن را نامطلوب و قابل مجازات دانسته است و مصداق آن را اقامت غیرمجاز،^{۳۳} اعتیاد به موادمخدر،^{۳۴} اعتیاد به الکل^{۳۵} و ولگردی^{۳۶} بیان می‌دارد. ایشان در توجیه تعارض میان رکن مادی و جرم‌انگاری این وضعیت‌ها بیان می‌دارد: با دقت در مصداق «حالت مجرمانه»، درمی‌یابیم که مصداق «فعل» یا «ترک فعل» هستند. برای نمونه، اعتیاد به الکل ناشی از استعمال قبلی آن است که «استعمال» مصداق «فعل» است، یا اقامت غیرمجاز در کشور، به معنای «خودداری از خروج از کشور» است که مصداق «ترک فعل» است.^{۳۷} این دسته از حقوق‌دانان، با این استدلال که وضعیت و حالت، ناشی از رفتار و اعمال قبلی افراد است، آن‌ها را جزء «فعل» یا «ترک فعل» قرار داده‌اند.

این تحلیل را می‌توان مشابه تفکیک وضعیت‌های اکتسابی و انتسابی که در حقوق ایالات متحده مطرح شده است، در حقوق ایران نیز طرح کرد؛ بدین معنا که در برخی موارد، یک وضعیت نتیجه رفتار آگاهانه و ارادی پیشین شخص است و در مواردی دیگر، شکل‌گیری وضعیت، بدون دخالت مؤثر اراده و بدون ارتکاب فعل قبلی ازسوی فرد رخ می‌دهد.

۳۲. نوریها، زمینه حقوق، ۱۸۴.

۳۳. قانون راجعه به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران، مصوب ۱۳۱۰، مواد ۱۵ و ۱۶.

۳۴. اصلاحیه قانون مبارزه با موادمخدر، مصوب ۱۳۷۶، مواد ۱۶ و ۱۷.

۳۵. قانون اقدامات تأمینی، مصوب ۱۳۳۹، ماده ۷.

۳۶. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، مصوب ۱۳۷۵، ماده ۷۱۲.

۳۷. سلطانی، حقوق جزای عمومی، ۱: ۱۴۲.

براین اساس، لازم است میان وضعیت‌هایی که مسبوق به فعل ارادی شخص‌اند و وضعیت‌هایی که بدون اراده و فعل پیشین تحقق یافته‌اند، تمایز نهاده شود. برای مثال، ممکن است فردی از آغاز زندگی در خانواده‌ای محروم و فاقد سرپناه متولد شده و در همان بستر رشد کرده باشد و با وجود تلاش متعارف برای تأمین مسکن، موفق به تغییر شرایط خود نشده و در نهایت در وضعیت بی‌خانمانی قرار گرفته باشد. در چنین فرضی، این وضعیت را نمی‌توان نتیجه فعل ارادی یا انتخاب آگاهانه قبلی او دانست. علی‌آبادی در کتاب حقوق جنائی، با استناد به همین دلایل، به غیرعادلانه بودن مجازات ولگردی کودکان اشاره می‌نماید که می‌توان این دلایل را علاوه بر کودکان به بزرگسالان نیز تعمیم داد.^{۳۸} در مقابل، در مواردی که وضعیت حاصل رفتار اختیاری پیشین شخص است (مانند اعتیاد به موادمخدر که در اثر اقدام ارادی اولیه شکل گرفته است)، می‌توان آن را در زمره وضعیت‌های اکتسابی و ارادی قرار داد، زیرا فرد امکان پرهیز از ورود به آن وضعیت را داشته است. از این‌رو، در تحلیل حقوقی، باید میان وضعیت‌های ناشی از فعل ارادی و وضعیت‌های فاقد منشأ ارادی تفکیک قائل شد و آثار کیفری هریک را به‌طور مستقل ارزیابی کرد.

برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که جرم‌انگاری «وضعیت» از سوی قانون‌گذار، برخاسته از نوعی سیاست کیفری پیشگیرانه در برابر بزهکاری است. به نظر این گروه، هدف قانون‌گذار از جرم‌انگاری چنین وضعیت‌هایی، پیشگیری از وقوع جرائم خطرناک‌تر در آینده است. در این میان، اردبیلی از جمله حقوق‌دانانی است که این دیدگاه را تقویت می‌کند. وی در کتاب حقوق جزای عمومی، در تبیین رکن مادی جرم، تحلیل متفاوتی ارائه می‌دهد و عنصر مادی را به دو دسته اصلی تقسیم می‌کند: «رفتار» و «حالت». به گفته اردبیلی، «عنصر مادی و ضروری جرم، گاه رفتاری است که در وضعی خاص از انسان بروز می‌کند و گاه -هرچند به‌ندرت- حالتی است که بر او مستولی می‌گردد».^{۳۹} این تفکیک در حالی است که اغلب حقوق‌دانان، رکن مادی جرم را منحصرأ رفتار می‌دانند و حالت را یکی از مصادیق یا نتایج آن تلقی می‌کنند، نه یک رکن مستقل. اردبیلی برای تبیین مصادیق «جرم‌انگاری وضعیت»، به نمونه‌هایی چون اعتیاد به موادمخدر، ولگردی و عضویت در جمعیت‌های مخل امنیت کشور اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که در این موارد، «خود حالت» و «وضعیت» شخص موجب مسئولیت کیفری می‌شود، نه فعل یا ترک فعل مشخص. از دیدگاه ایشان، چنین وضعیت‌هایی می‌تواند

۳۸. عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنائی (تهران: فردوسی، ۱۳۸۵)، ۱۶۷.

۳۹. اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ۲: ۳۰۲.

زمینه‌ساز بروز جرائم مهم‌تری مانند سرقت، خشونت، فحشا، قاچاق یا جرائم علیه امنیت باشد. بنابراین، قانون‌گذار با جرم‌انگاری این وضعیت‌ها، در واقع، به‌دنبال پیشگیری از بزهکاری در مراحل اولیه و جلوگیری از شکل‌گیری جرائم شدیدتر است.^{۴۰} در علم حقوق کیفری، این دسته از جرائم با عنوان «جرائم مانع» یا «جرائم بازدارنده» شناخته می‌شوند. این نوع جرائم رفتارهایی هستند که به‌خودی‌خود ممکن است خطر جدی برای جامعه نداشته باشند، اما از آنجاکه تداوم یا گسترش آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرائم شدیدتر گردد، قانون‌گذار به‌صورت قراردادی آن‌ها را جرم‌انگاری می‌کند. برای نمونه، جرم‌انگاری حمل یا نگهداری سلاح - حتی در صورت عدم استفاده از آن - مصداقی روشن از این رویکرد است. در چنین حالتی، قانون‌گذار با جرم‌انگاری صرف داشتن سلاح، در پی آن است که از ارتکاب جرائمی همچون قتل، ایراد جرح، تهدید، زورگیری و قدرت‌نمایی با سلاح پیشگیری نماید، چراکه وجود سلاح، به‌طور طبیعی، ارتکاب این جرائم را تسهیل می‌کند.^{۴۱}

در نقد این دیدگاه، نخست باید به تمایز بنیادین میان «وضعیت غیرارادی» و «رفتار» مجرمانه توجه کرد. در حقوق کیفری، برخلاف حوزه اخلاق که ارزیابی آن می‌تواند ناظر به نیت، انگیزه یا حتی اوصاف درونی اشخاص باشد، معیار مسئولیت کیفری بر تحقق رفتار عینی و قابل‌انتساب استوار است. به بیان دیگر، حقوق کیفری نه به‌دلیل «آنچه شخص هست»، بلکه به‌سبب «آنچه انجام داده است» مداخله می‌کند. این رویکرد مستند به لزوم تحقق عنصر مادی جرم است که در اغلب نظام‌های حقوقی، ازجمله حقوق ایران و ایالات متحده، مبنای مسئولیت کیفری محسوب می‌شود. براین اساس، رکن مادی جرم اقتضا دارد که اعمال ضمانت اجرای کیفری منوط به ارتکاب رفتار مشخص و قابل اثبات باشد، نه صرف قرار داشتن در یک وضعیت یا حالت که ممکن است در آینده زمینه ارتکاب جرم را فراهم آورد. حتی اگر فرض شود افرادی که در وضعیت‌هایی مانند اعتیاد یا بی‌خانمانی قرار دارند، از منظر آماری احتمال بیشتری برای ارتکاب برخی جرائم دارند، این احتمال نمی‌تواند جایگزین تحقق عنصر مادی جرم شود. مسئولیت کیفری زمانی توجیه‌پذیر است که رفتار مجرمانه‌ای معین و متناسب به شخص واقع شده باشد، مانند ارتکاب سرقت، اعمال خشونت یا قاچاق.

یکی دیگر از حقوق‌دانان، ضمن تأکید بر این نکته که اشخاص دارای وضعیت‌هایی مانند

۴۰. اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ۲: ۳۰۶-۳۰۲.

۴۱. اسماعیل هادی‌تبار و عادل علی‌پور، «جرم‌زدایی از جرائم ولگردی و تکدی‌گری»، آموزه‌های حقوق کیفری ۱۱، شماره ۷ (تیر ۱۳۹۳): ۱۴۱-۱۴۰.

اعتیاد یا مستی تا زمانی که مرتکب رفتار خلاف قانون نشده‌اند، قابل تعقیب کیفری نیستند، در مقام توجیه جرم‌انگاری این وضعیت‌ها ازسوی قانون‌گذار بیان می‌دارد که جرم‌انگاری «حالت» یا «وضعیت» را نمی‌توان نقض اصل مادی بودن جرم دانست. به باور وی، وضعیت‌هایی مانند اعتیاد، مستی یا بیماری روانی، خود نوعی رفتار با نمودهای خارجی محسوب می‌شوند. ازاین‌رو، جرم‌انگاری این وضعیت‌ها موجب نقض اصل مادی بودن جرم قلمداد نمی‌شود.^{۴۲} به نظر می‌رسد این استدلال از منظر ماهوی قابل‌نقد است، زیرا «وضعیت» با «رفتار» تفاوتی بنیادین دارد. اصل مادی بودن جرم بر انجام یا ترک فعلی ارادی دلالت دارد، درحالی‌که حالت‌هایی همچون بی‌خانمانی، گرچه ممکن است نمود بیرونی داشته باشند، در واقع، نوعی وضعیت درونی و غالباً غیرارادی‌اند. رفتارهایی که از چنین وضعیت‌هایی ناشی می‌شود نیز معمولاً تحت فشار شرایط بیرونی و بدون اراده آزاد فرد تحقق می‌یابد. برای نمونه، شخصی که به دلیل فقر، از تأمین مسکن ناتوان است، ناگزیر در مکان‌های عمومی می‌خوابد و به‌صورت ناخواسته در زمره «ولگردان» قرار می‌گیرد. بنابراین، چنین وضعیت‌هایی را نمی‌توان به‌طور کامل، با مفهوم «رفتار ارادی» به‌عنوان رکن مادی جرم منطبق دانست. افزون‌بر این، همین نویسنده در بخش دیگری از اثر خود، ضمن اشاره به رأی مشهور رایبسون علیه ایالت کالیفرنیا، در جرم‌انگاری وضعیت‌هایی مانند بی‌خانمانی ابراز تردید می‌کند. وی تأکید دارد که حالت یا وضعیت فرد، هرچند ممکن است در ظاهر واجد آثار مادی باشد، اما ازآنجا که فرد در چنین شرایطی فاقد اراده کامل برای تغییر یا اجتناب از آن است، تلقی آن به‌عنوان عنصر مادی جرم با تردیدهای جدی روبه‌رو است.^{۴۳}

در جمع‌بندی دیدگاه‌های اندیشمندان حقوق کیفری ایران می‌توان گفت که بیشتر آنان در تبیین عنصر مادی جرم، آن را ناظر به «فعل» یا «ترک فعل» قابل‌انتساب می‌دانند و تأکید می‌کنند که نیت، انگیزه یا حالات درونی تا زمانی که در قالب رفتار متجلی نشود، به‌تنهایی نمی‌تواند مبنای مسئولیت کیفری قرار گیرد. بااین‌حال، در مواجهه با برخی مقررات قانونی که وضعیت‌هایی چون بی‌خانمانی (ولگردی) یا اعتیاد را موضوع جرم‌انگاری قرار داده‌اند، رویکردهای متفاوتی در میان حقوق‌دانان مشاهده می‌شود. برخی کوشیده‌اند این موارد را با استناد به ملاحظات همچون حفظ نظم عمومی یا پیشگیری از جرائم مهم‌تر توجیه کنند و بدین‌ترتیب، نوعی توسعه در مفهوم عنصر مادی ارائه دهند. در مقابل، گروهی دیگر با حفظ

۴۲. عباس زراعت، حقوق جزای عمومی، جلد ۱ (تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۲)، ۱۳۴-۱۳۵.

۴۳. زراعت، حقوق جزای عمومی، ۱: ۱۳۶.

چارچوب نظری عنصر مادی، میان وضعیت‌های ارادی و غیرارادی تفکیک قائل شده‌اند. بر پایه این دیدگاه تفکیکی، چنانچه وضعیت حاصل رفتار ارادی پیشین شخص باشد، می‌توان آن را از حیث انتساب و مسئولیت، در پیوند با رفتار سابق تحلیل کرد (مانند اعتیاد). اما در مواردی که وضعیت بدون دخالت مؤثر اراده فرد شکل گرفته باشد (مانند بی‌خانمانی)، جرم‌انگاری آن با مبانی عنصر مادی، سازگار نخواهد بود. از این رو، دیدگاهی که با تفکیک میان وضعیت‌های ارادی و غیرارادی به تحلیل جرم‌انگاری می‌پردازد، به‌عنوان رویکردی پذیرفتنی در چارچوب حقوق کیفری ایران مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، برخی وضعیت‌ها تحت‌عناوینی مانند «ولگردی» (بی‌خانمانی) و «اعتیاد» در قلمرو مداخله کیفری قرار گرفته‌اند. این رویکرد تاحدی متأثر از سیاست کیفری نظم‌محور و نگرش‌های پیشگیرانه‌ای است که حفظ نظم عمومی و کنترل انحرافات اجتماعی را در اولویت قرار می‌دهد. با این حال، در ادبیات حقوق کیفری ایران، دیدگاه‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. گروهی از نویسندگان کوشیده‌اند با استناد به ملاحظات همچون پیشگیری از جرائم مهم‌تر یا حفظ امنیت عمومی، جرم‌انگاری برخی وضعیت‌ها را توجیه کنند. در مقابل، شماری دیگر با تأکید بر رکن مادی جرم و لزوم تحقق رفتار، قائل به تفکیک میان وضعیت‌های ارادی و غیرارادی شده‌اند و بر این باورند که تنها در صورتی می‌توان از مسئولیت کیفری سخن گفت که وضعیت حاصل فعل یا ترک فعل ارادی پیشین شخص باشد.

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، تحول مفهومی در این حوزه در پرتو تفسیر دیوان عالی از متمم هشتم قانون اساسی و منع مجازات‌های ظالمانه و غیرمعارف شکل گرفته است. آرای همچون *Robinson v. California* و *Powell v. Texas* مرز میان «وضعیت» و «رفتار» را برجسته ساخته و نشان داده‌اند که مجازات صرف وضعیت، بدون احراز رفتار مشخص، با موازین قانون اساسی سازگار نیست. در عین حال، در حقوق آمریکا نیز دیدگاه‌ها یکدست نیست و برخی نظریه‌ها با تفکیک میان وضعیت‌های اکتسابی و انتسابی یا با تأکید بر تمایز میان «خود وضعیت» و «رفتار ناشی از آن»، تلاش کرده‌اند قلمرو مداخله کیفری را محدود به رفتار قابل انتساب کنند.

مقایسه تطبیقی بیانگر آن است که هر دو نظام حقوقی با مسئله نسبت میان وضعیت و

رفتار مواجه‌اند، اما شیوه مواجهه آنان متفاوت است. درحالی‌که در آمریکا، اصل بر آن است که مسئولیت کیفری بر رفتار عینی و قابل کنترل مبتنی باشد و صرف وضعیت، حتی اگر خطرزا تلقی شود، به تنهایی مبنای مجازات قرار نگیرد، در ایران هنوز گرایش‌هایی به مداخله پیشینی و وضعی مشاهده می‌شود. باوجوداین، تحلیل مبانی نظری و دیدگاه‌های مطرح در حقوق کیفری ایران نشان می‌دهد که رویکرد مبتنی بر تفکیک وضعیت‌های ارادی و غیرارادی، به عنوان راه‌حلی میانه، ظرفیت آن را دارد که هم با نصوص قانونی سازگار باشد و هم با رکن مادی جرم، هماهنگی بیشتری ایجاد کند.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

- آقابابایی، حسین، و بهناز رضایی زادفر. «جرم‌انگاری اعتیاد به موادمخدر در پرتو اصل پدرسالاری حقوقی»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی* ۱، شماره ۱ (۱۳۹۳): ۱-۲۱.
- اردبیلی، محمدعلی. *حقوق جزای عمومی*. جلد ۲، تهران: میزان، ۱۳۹۳.
- اصلاحیه قانون مبارزه با موادمخدر، مصوب ۱۳۷۶.
- بیات، محسن، و حسین غلامی. «تحلیل بزه‌دیده‌شناختی بزه‌دیدگی بی‌خانمانان»، *پژوهشنامه حقوق کیفری* ۱۵، شماره ۱ (۱۴۰۳): ۳۳-۴۷.
- زراعت، عباس. *حقوق جزای عمومی*. جلد ۱، تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۲.
- سلطانی، مهدی. *حقوق جزای عمومی*. جلد ۱، تهران: دادگستر، ۱۳۹۳.
- علی‌آبادی، عبدالحسین. *حقوق جنائی*. تهران: فردوسی، ۱۳۸۵.
- قانون اقدامات تأمینی، مصوب ۱۳۳۹.
- قانون راجعه ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران، مصوب ۱۳۱۰.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵.
- نوربها، رضا. *زمینه حقوق جزای عمومی ویراست جدید*. تجدیدنظرشده توسط عباس شیری.
- چاپ اول، تهران: میزان، ۱۳۹۶.
- هادی‌تبار، اسماعیل، و عادل علی‌پور. «جرم‌زدایی از جرائم ولگردی و تکدی‌گری»، *آموزه‌های حقوق کیفری* ۱۱، شماره ۷ (تیر ۱۳۹۳): ۱۲۷-۱۴۶.

ب- منابع لاتین:

- Bakke, W. M. "Against the Status Crimes Doctrine." *SMU Law Review Forum* 73, no. 1 (2020): 232-243.
- Bennett, L. "Punishing Poverty: Robinson & the Criminal Cash Bond System." *Washington and Lee Journal of Civil Rights and Social Justice* 24, no. 2 (2018): 315-342.
- Cornwell, John K. "Status-Based Prosecution: Conflict, Confusion and the Quest for Coherence." *Journal of Constitutional Law* 25, no. 1 (2023): 107-145.
- Heyman, Gene M. *Addiction: A Disorder of Choice*. Cambridge, MA: Harvard University Press, 2009.
- Kieschnick, H. "A Cruel and Unusual Way to Regulate the Homeless: Extending the Status Crimes Doctrine to Anti-Homeless Ordinances." *Stanford Law Review* 70, no. 5 (2018): 1569-1621.

- Lai, A. "Confronting Proxy Criminalization." *Denver Law Review* 92, no. 4 (2015): 879-912.
- Link, B. G., and J. C. Phelan. "Conceptualizing Stigma." *Annual Review of Sociology* 27 (2001): 363-385. <https://doi.org/10.1146/annurev.soc.27.1.363>
- Lloyd, C. *Sinning and the Sinned Against: The Stigmatisation of Problem Drug Users*. London: UK Drug Policy Commission, 2010.
- Ocen, P. A. "Birthing Injustice: Pregnancy as a Status Offense." *George Washington Law Review* 85, no. 5-6 (2017): 1163-1225.
- Radelet, M. L. "Response: Race as a Semi-Measurable Component of Social Status." *Harvard Civil Rights–Civil Liberties Law Review* 55, no. 2 (2020): 675-686.
- Schoepflin, T. "Ascribed Status vs. Achieved Status: The Case of Homelessness." *Everyday Sociology Blog*, May 27, 2010. <https://www.everydaysociologyblog.com/2010/05/ascribed-status-vs-achieved-status-the-case-of-homelessness.html>
- U.S.C. § 11103, 2018.
- Walters, Edward J. "No Way Out: Eighth Amendment Protection for Do-Or-Die Acts of the Homeless." *University of Chicago Law Review* 62, no. 4 (1995): 1619-1649.